

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۱ فبروری ۲۰۱۲

توازن نظامی ایران و اسرائیل

انهدام ایران زیر نظر است

جنگ روانی شدیدی بین ایران و اسرائیل به ارتباط اتمی شدن ایران در حال صعود است. هر دو جانب سعی می ورزد تا جانب مقابل را متقاعد ساخته که در یک جنگ گرم احتمالی بر دشمن غلبه خواهد کرد. وزیر دفاع امریکا چند روز قبل اظهار داشت که اسرائیل در بهار امسال ایران را زیر ضربات خود قرار خواهد داد، خصوصاً زمانی که ایران قادر به تولید بمب اتمی گردد. وزیر دفاع اسرائیل نیز گفت:

"در صورتیکه تعزیرات اقتصادی نتیجه ندهد و ایران را از فعالیت اتمی باز ندارد، کشورش حمله بر ایران را مورد ملاحظه قرار خواهد داد." در حال کنونی، ایران در حلقه محاصره مراکز نظامی است. تحت البحری های امریکا، اسرائیل و برتانیه خاموشانه مترصد اوضاع اند. کشتی طیاره بردار قوای بحری نمبر ۵ امریکا در خلیج فارس دست به مانور های تحریک آمیز می زند تا با استفاده از یک اشتباه سیاسی و یا نظامی زعامت آخندی، ایران را ویران نماید. طیارات بی پیلوت امریکائی و اسرائیلی کماکان از طریق آسمان عراق و آب های بین المللی فضای ایران را زیر نظارت گرفته اند. دانشمندان اتمی ایران ترور می شوند و مراکز مهم تحقیقاتی این کشور با عملیات مخفی تروریستی منهدم می گردد. نظام آخندی ایران، سازمان های استخباراتی سی آی ای و موساد را در عملیات خرابکارانه و ترور دانشمندان خود متهم نموده است. خلاصه این که، وقوع درگیری نظامی در منطقه نسبت به هر زمان دیگر بیشتر شده است. در این جا بهتر است که توازن نظامی ایران و اسرائیل را از نگاه کیفیتی و کمیتی مورد ارزیابی قرار داده تا در پرتو آن بتوانیم به یک نتیجه نسبی برسیم. برای به دست آوردن احصائیه مورد ضرورت از سایب گلوبل فایر پاور (Global Fire Power) و مقالات و کتب شخصی ام استفاده شایانی نموده ام. برای آسانی درک ارقام احصایه ئی، ترجیح داده ام اعداد را به شکل کل نوشته و از تحریر اعداد بعد از اعشاریه منصرف شوم.

اسرائیل

ایران

نیرو انسانی – قدرت نظامی

۸ میلیون	۷۸ میلیون	نفوس
۴ میلیون	۴۶ میلیون	نیروی انسانی آماده برای خدمت نظام
۳ میلیون	۳۹ میلیون	نیروی مناسب برای خدمت نظام
۴ میلیون	۲۶ میلیون	نیروی کار
۱۸۷ هزار	۵۴۵ هزار	اردوی فعال
۵۶۵ هزار	۶۵۰ هزار	قوای احتیاط
۱۹۶۴	۱۰۳۰	تعداد طیارات
۶۸۹	۳۵۷	هیلوکوپتر
۲۰۰	۱۷۰۱	سلاح ضد طیاره
۱۲۵۵۲	۱۲۳۹۳	مجموع اسلحه زمینی
۳۲۳۰	۱۷۹۳	تانک
۹۰۰	۱۴۰۰	سلاح ضد تانک
۷۵۰	۵۰۰۰	هوان
۵۵۰	۱۵۷۵	توپخانه
۱۳۸	۲۰۰	توپخانه راکتی
۷۰۶	۸۶۵	توپخانه متحرک
۶۴	۲۶۱	مجموع کشتی ها
۰	۵	کشتی های جنگی متوسط
۰	۳	کشتی های نابود کننده
۳	۱۹	تحت البحری
۷۶۸۴	۱۲۰۰۰	وسایل لوژیستیکی
۶۲۷۸	۱۵۶۰	وسایل نقلیه
۱۶ میلیارد	۹ میلیارد	بودجه دفاعی

دوکتورین نظامی

ایران: نوع جنگ بین ایران و عراق در سال های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ برای اردوی ایران نقش تعیین کننده داشته که تا اکنون هم قسمت اعظم دوکتورین نظامی ایران را تشکیل می دهد. طراحان اردوی ایران همچنان درس های با ارزشی از تجاوز دوبر امریکا بر عراق و جنگ بین حزب الله و اسرائیل در سال ۲۰۰۶ آموخته و بر مبنای آن

تاکتیک و ستراتیژی خود را عیار نموده اند. دوکتورین نظامی ایران متشکل است از فرضیه های نظامی غرب همراه با تفکر مذهبی نظام آخندی به شمول شهادت و "غیرت انقلابی." از بدو تأسیس نظام آخندی در ایران تا اکنون، دوکتورین اردوی ایران برحسب ایدئولوژی آخندی رشد و تکامل نموده و به اساس برداشت نظام از تهدید و انکشافات سیاسی منطقه وفق یافته و یا تعدیل شده است. اردوی ایران ستراتیژی جنگی خود را طوری عیار نموده که با یک خصم برتر مانند امریکا و یا برتانیه بتواند به مقابله پردازد. طراحان نظامی ایران باید اجباراً تهدیدات اخیر اسرائیل را جدی بیندارند.

ایران می داند که در رویارویی جنگ منظم با قدرت برتر، به پیروزی نخواهد رسید. بناءً با خلق دوکتورین بازدارنده جنگ فرسایشی، دشمن را خسته و ناتوان ساخته تا خطر و مصارف جنگ را برایش طاقت فرسا نماید. هدف از این دوکتورین، تحمیل شکست روانی است تا دشمن را از ادامه جنگ منصرف سازد. جنگ نامتقارن مبنای تیوریک دوکتورین نظامی ایران را می سازد. اردوی ایران تمام توجه خود را به انکشاف و توانائی نیروی انسانی، عمق ستراتیژیک و آمادگی برای پذیرش تلفات بشری معطوف ساخته است. دوکتورین ستراتیژیک ایران همچنان ضعف دشمن را در حساسیت پذیرش تلفات انسانی، اتکای بیش از حد بر تکنالوژی و موجودیت مراکز نظامی خصم در منطقه مورد ملاحظه قرار می دهد. حادثه تروریستی سپتمبر ۱۱ سال ۲۰۰۱ و متعاقباً تجاوز امریکا بر افغانستان و عراق، ایران را متقاعد ساخت تا مسیر قوای نظامی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. محیط امنیتی منطقه برای ایران از ریشه تغییر کرده است. نظام طالبی در شرق و عراق بعثی در غرب ایران دیگر وجود ندارد.

اما قوای امریکا در امتداد سرحدات غربی و شرقی ایران خیمه زده و خواب از چشمان نظام آخندی ربوده است. تلاقی حوادث همراه با غریدن واشنگتن به ارتباط تغییر رژیم در تهران، باعث شده که ایران ستراتیژی امنیت ملی خود را از نو و طبق شرایط جدید منطقه عیار گرداند. اردوی ایران ستراتیژی خود را بالاخص در مقابله با تهدیدات امریکا منطبق ساخته و تکامل بخشیده است. در مجموع در دوکتورین نظامی و ستراتیژیک ایران سه ضعف نهفته است: ۱. دوکتورین نظامی ایران دفاعی است نه تهاجمی که در این صورت این کشور توانائی رویارویی را با قدرت برتر مانند امریکا در خود نمی بیند. تهدیدات اسرائیل یک پدیده جدید برای نظامیان ایران است که باید به آن توجه کنند. ۲. فقدان همکاری دقیق بین لشکر پاسداران انقلاب و اردو می تواند توانمندی طراحان نظامی را در پیاده کردن طرح های عملیاتی زیر سؤال ببرد. ۳. نارضایتی مردم از عملکرد نظام آخندی در سطح ملی که احتمال قیام مردمی را در مواقع بحران بیشتر می سازد.

اسرائیل: عکس ایران، دوکتورین نظامی اسرائیل بر مبنای حمله سریع، کوتاه بودن جنگ، موفقیت حتمی، حد اقل تلفات، برتری کیفیتی بر خصم و اجتناب از شکست، استوار است. اسرائیل توانائی جنگ طولانی و فرسایشی را ندارد، از اینرو سعی می ورزد در ساعات و روز های اول برخورد نظامی ضربات محکمی بر جانب مقابل وارد نماید. تاکتیک و ستراتیژی اسرائیل تا اکنون متوجه همسایگان عرب این کشور بوده و در مورد ایران دوکتورین جدیدی خلق نکرده است. از سال ۱۹۴۸ بدینسو، اسرائیل در ظاهر یک هدف عمده داشته است: تأمین موجودیت این کشور و امنیت مردم آن و نمی خواهد کمتر از این چیزی را را بپذیرد. اسرائیل کشور بسیار کوچک است و مانند همسایگان عرب عمق ستراتیژیک ندارد. همچنان نفوس کم اسرائیل تحمل تلفات عظیم ملکی و نظامی را نداشته و خواستار نتیجه قطعی جنگ در کوتاه مدت اند. بنابراین قوای نظامی اسرائیل همیشه بر برتری کیفیتی، قوت

آتش و مهارت جاسوسی این کشور بر اعراب اصرار می ورزد. ستراتیژی امنیتی اسرائیل بر این منطبق بنا شده که این کشور هرگز نمی تواند شکست را متحمل شود. در قدم اول اسرائیل می کوشد با اتخاذ وضع بازدارنده قابل اعتبار و مصمم به انجام حمله پیش دستانه، جانب مقابل را از حمله بر اسرائیل باز دارد. در صورتی که این تجاوز مؤثر واقع نشد، اسرائیل به حمله سریع که موفقیت را تضمین نماید، دست می زند. نسبت نبود عمق ستراتیژیک، اسرائیل نه تنها از ورود قوای نظامی خصم به خاک خود جلوگیری می نماید، بلکه حتی الوسع می کوشد جنگ را به سرزمین جانب مقابل هم بکشاند. دوکتورین ابهام اسرائیل (نه تأیید و نه تکذیب) در مورد تولید و تصاحب اسلحه اتمی تا اکنون توانسته منحصیث یک عامل بازدارنده به نفع اسرائیل نقش بازی نماید. طبق گزارشات مختلف، اسرائیل چند صد بم اتمی دارد که از نگاه ستراتیژیست های اسرائیلی ضامن امنیت تمامیت ارضی این کشور است. در روز ها اول شکست اسرائیل در جنگ ۱۹۷۳، سران این کشور زنگ خطر استعمال بم اتمی را نواختند و تهدید نمودند که در صورت شکست و برای دفاع اسرائیل از اسلحه اتمی استفاده خواهند کرد. اسرائیل برای بقای خود همچنان اعلام داشته است که هیچ کشور دیگر را در منطقه اجازه نخواهد داد که اتمی شود. نابودی تأسیسات اتمی اوسیرک (Osirak) در عراق در سال ۱۹۸۱ مثال عمده است. از همین جاست که اختلافات ایران و اسرائیل وسعت یافته و به کمک امریکا و سایر کشور های غربی دامن زده می شود.

با در نظر داشت بُعد مسافه و نبود سرحدات مشترک بین ایران و اسرائیل، برای این دو کشور مشکل خواهد بود که به دوکتورین مسلط نظامی فعلی خویش کلاً متکی گردند. ایران نمی تواند به یک جنگ فرسایشی متداوم علیه اسرائیل اقدام نموده و اسرائیل هم قادر نخواهد بود که برق آسا بر ایران غلبه نماید. برتری کمیتی ایران و کیفیتی اسرائیل نتایج خود را به زودی تبارز خواهد داد و اجباراً این دو کشور باید دوکتورین جدیدی را برای عملکرد نظامی خویش علیه یک دیگر خلق نمایند. تصور بر این است که در یک رویارویی احتمالی که با حملات طیارات جنگنده اسرائیل بر تأسیسات اتمی ایران آغاز خواهد شد، قوای هوایی و دافع هوا به شمول حملات راکتی هر دو کشور نقش تعیین کننده خواهند داشت.

مبلغین دوکتورین تجاوز در امریکا و اسرائیل معتقد اند که اسرائیل می تواند به اتکای قوای برتر و با استفاده از طیارات مدرن اف ۱۵ ایگل (F-15 Eagle) و اف ۱۶ فالکن (F-16 Falcon) ضربات خردکننده ای بر ایران وارد کرده و تأسیسات اتمی این کشور را قسماً نابود سازد. اسرائیل در خط اول قوای هوایی خود، ۸۰۰ طیاره جنگنده اف ۱۵ و اف ۱۶ دارد که با قابلیت سوخت گیری در فضا، توانایی رزمی بیشتری به دست آورده و قادر خواهد شد که بدون بیم از کمبود تیل به حملات خود ادامه دهد و بعد از طی مسافه طولانی به اسرائیل برگردد. طیارات اف ۱۵ و اف ۱۶ قابلیت حمل و تحویلدهی بم اتمی را هم دارند که در حال حاضر ایران فاقد آن است. اسرائیل همچنان دارای راکت های پیشرفته ضد راکت است که اسرائیل را محافظت می کند. تحت البحری های معدود اسرائیل که در آبهای بین المللی و خلیج فارس در حال گشت و گذار است، قادر به پرتاب راکت های اتمی به سوی ایران خواهد بود. اسرائیل همچنان صاحب سیستم اقمار مصنوعی است که می تواند حرکات نظامی ایران را طور دقیق زیر نظر گیرد.

راکت های جیریشو ۳ (Jericho 3) با برد مسافه ۴۳۵۰ مایل (۷۰۰۰ کیلو متر) که زمانی برای درهم کوبیدن احتمالی شوروی تولید شده بود، می تواند خاک ایران را نشانه گیرد و تأسیسات اتمی ایران را در مناطق "نطنز" و اصفهان و سایر مناطق دیگر منهدم نموده و یا صدمه زند. موجودیت قوای بحری امریکا در منطقه، مجهز با

کشتی طیاره بردار همراه با کشتی های جنگی و تحت البحری های برتانیه که در صورت ضرورت به نفع اسرائیل وارد صحنه کازار خواهند شد، به اسرائیل آسودگی خاطر بیشتری می بخشد.

حال ببینیم که در صورت حملات اسرائیل، ایران چطور از خود دفاع خواهد کرد؟ ایران در خط اول قوای هوایی خود ۲۵۰ طیاره جنگی دارد که مشتمل است بر طیارات امریکائی اف ۴ (F-4) و اف ۱۴ ای (F-14A)، طیارات میگ ۲۳ و ۲۷ و ۲۹ و سوخوی ۲۴ و ۲۵ روسی، تعداد معدود طیارات میراژ اف ۱ (F-1) فرانسوی، یک تعداد طیارات جنگنده چینی و طیارات آذرخش ساخت ایران. در مجموع تکنالوژی قوای هوایی ایران دو نسل کهنه تر و عقب تر از قوای هوایی اسرائیل است. هکذا تنوع تکنالوژی و تفاوت در کیفیت طیارات جنگنده، قابلیت رزمی قوای ایران را در مقابل اسرائیل محدود ساخته است. ایران نمی تواند با این طیارات به مقابله طیارت جنگنده اسرائیل برخیزد و خاک اسرائیل را زیر ضربات خود گیرد. قوای هوایی ایران تا حال نتوانسته است به فاصله های طولانی پرواز نموده و در فضاء سوخت گیری نماید. لذا، حمله بر اسرائیل ذریعه طیارات فعلی برای ایران ناممکن است. قابل یادآوری است که تصفیه های انسانی نظام آخندی، ایران را همچنان از موجودیت پیلوت های مجرب قبلی محروم ساخته است. ایران مانند اسرائیل از حمایت کامل یک و یا چند قدرت جهانی برخوردار نیست و نه کشور های روسیه و چین در آبهای منطقه نیروئی در اختیار دارند که به حمایت ایران برخیزند. با در نظر داشت کمبودی های نظامی در قوای هوایی، ایران ناگزیر به انکشاف قوای راکتی خود شده است.

طرح راکت های بالیستیک ایران به دهه ۱۹۸۰ بر می گردد، یعنی زمانیکه عراق شهر های ایران را هدف حملات راکتی خود قرار داده و تلفات عظیم انسانی وارد نمود. ایران هم با استفاده از راکت های اسکات بی (SCUD-B) به عراق جواب بالمثل داد. در حال حاضر، راکت های زمین به هوای سام (SAM)، شهاب ثاقب، سید، اس ای ۲۰۰ (SA-200) و طیارات بازدارنده (حایل) پایه های اصلی دافع هوایی ایران را تشکیل می دهد. این که این سیستم دافع هوایی ایران توانائی عقب زدن تهاجم هوایی اسرائیل را دارد، خود سؤال برانگیز است. ایران سعی نموده تا سیستم دافع هوایی اس ای ۳۰۰ (SA-300) سام را که دقیق تر و مجهز تر نسبت به وسایل گذشته است، از روسیه به دست آورد. اما نظر به فعالیت سیاسی و دیپلماتیک اسرائیل و فشار امریکا بر روسیه، ایران تا حال موفق به دستیابی کامل آن نگردیده است. ایران ادعا دارد که چند بتری از اس ای ۳۰۰ را از کشور بلورس و منابع غیر معلوم دیگر به دست آورده است. متخصصین امور نظامی اظهار عقیده می کنند که دافع هوایی اس ای ۳۰۰ می تواند توانائی رزمی ایران را در مقابله با یورش هوایی اسرائیل طور قابل توجهی بالا ببرد. از اینرو اسرائیل منتهای سعی خود را می کند تا این معامله ایران و روسیه را خنثی سازد. اما گزارش ها حاکیست که با در نظر داشت بحران شرق میانه و در خطر افتادن منافع روسیه در منطقه بالاخص در سوریه، این کشور به فروش دافع هوایی اس ای ۳۰۰ به ایران بازنگری خواهد کرد.

ایران هم راکت های زمین به زمین متعددی را مورد آزمایش قرار داده است. به طور مثال راکت های شاهین، عقاب، فجر و زلزل در خدمت قوای نظامی ایران قرار گرفته است. برحسب نظر نظامیان ایران، راکت های زلزل با طی طریق ۹۳۲ مایل (۱۵۰۰ کیلومتر) می تواند اسرائیل را هدف قرار دهد. نشانه گری و درستی این راکت ها هنوز تثبیت نگردیده است. آیا ایران قادر خواهد بود که مراکز نظامی اسرائیل را با دقت به وسیله این راکت ها مورد اصابت قرار دهد؟ جواب به این سؤال را به آینده موکول می نمایم. اگر ایران خواسته باشد با فیر این راکت ها در مراکز نفوس اسرائیل خلق وحشت نماید، در آن صورت جنگ بین این دو کشور ابعاد جدیدی به خود خواهد گرفت و اسرائیل اسلحه اتمی خود را وارد کازار خواهد ساخت که ایران قادر به دفع آن در حال کنونی نیست.

ایران درین اواخر قمر مصنوعی "امید" را به فضا پرتاب نموده و آن را برای مقاصد علمی و هواشناسی معرفی نموده است. این که این قمر مصنوعی مسؤول فعالیت های جاسوسی از فضاء هم خواهد بود، در حال حاضر معلوماتی در زمینه وجود ندارد.

در جنگ بحری، ایران حد اقل از نگاه کمیتی بر اسرائیل برتری خود را حفظ کرده است. ایران ۱۹ و اسرائیل ۳ تحت البحری در اختیار دارد. آیا ایران قادر است که با موجودیت قوای بحری امریکا که در هر زمانی به پشتیبانی اسرائیل وارد صحنه کازار خواهد شد، جنگ را در آبهای خلیج فارس به نفع خود خاتمه دهد؟ آیا تحت البحری های ایران که مجهز با راکت های غیر اتمی اند می توانند خود را به سواحل اسرائیل نزدیک ساخته و از آن جا ها مراکز نظامی و شهر های این کشور را مورد اصابت قرار دهند؟ ایران در رویارویی با قوای بحری امریکا در خلیج فارس، راکت های کوثر، نصر، رعد، خلیج فارس و ظفار را در خدمت قوای بحری خود قرار داده است. معلوم نیست که این راکت های قوای بحری ایران در جنگ با اسرائیل هم مورد استفاده قرار خواهد گرفت یا خیر؟ هر یک از این راکت ها برای هدف خاصی علیه قوای بحری امریکا در خدمت گرفته شده است، از اینرو مفیدیت این راکت های ضد کشتی های جنگی علیه قوای بحری کوچک اسرائیل فصل جدیدی را در نبرد احتمالی ایران و اسرائیل باز خواهد کرد. ایران قادر است که در صورت شعله ور شدن جنگ با اسرائیل و امریکا، معبر هرمز را ببندد و مسیر تجارتي این قسمت از جهان را که پر ازدحام ترین است مسدود سازد. عواقب ناشی از این اقدام ایران در سطح منطقه و جهان غیر قابل پیش بینی است.

ایران می تواند از جنگ قایم مقامی علیه اسرائیل استفاده نماید. سوریه و حزب الله لبنان تا زمان حال وسیله نفوذ ایران در منطقه است. در صورت برخورد نظامی بین ایران و اسرائیل، ممکن است حزب الله به نفع ایران داخل کازار شود و با حملات راکتی شهر های اسرائیل را زیر ضربات خود قرار دهد. از اینرو امریکا و اسرائیل سعی می ورزند تا قبل از رسیدن به حساب ایران، این کشور را از حامیان منطقه ئی اش محروم ساخته تا در صورت تهاجم اسرائیل و یا امریکا به ایران، گزندی از ناحیه حزب الله و یا شاید سوریه متوجه اسرائیل و منافع امریکا در منطقه نشود. اسرائیل خاطره تلخی از نبردش در سال ۲۰۰۶ با حزب الله دارد که اکثر صاحب نظران سیاسی و نظامی آن را یک شکست برای اسرائیل دانستند. بنابراین امریکا کوشش دارد که سوریه را بی ثبات ساخته و آن را به پاشنه آشیل ایران مبدل نماید تا سرانجام به انهدام سوریه و سرنگونی فامیل اسد و سقوط علوی ها در دمشق منجر شود.

دوکتورین نظامی ایران و اسرائیل برای در هم کوبیدن یکدیگر خلق نگردیده است، لذا به دشواری می توان پیش بینی نمود که در صورت برخورد نظامی کدام یک از این کشور ها دست بالا خواهد داشت. اما به یقین می توان گفت که این جنگ ابعاد گسترده خواهد گرفت و شرق میانه را به خون و آتش خواهد کشاند. هر دو جانب جنگ روانی وسیعی را علیه یک دیگر به راه انداخته تا بتوانند جانب مقابل را به عملی ساختن تصمیم خویش متقاعد سازند. اسرائیل بار ها گفته است که اتمی شدن ایران را تحمل نمی تواند و در صورت فقدان مؤثریت تعزیرات اقتصادی، مراکز اتمی ایران را تا حد امکان ویران خواهد نمود. ایران هم وعده داده است که با تمام وسایل دست داشته از حق و خاک خود دفاع خواهد کرد و مراکز نظامی دشمن را در منطقه و ماورای آن زیر آتش خواهد گرفت. بدون تردید که امریکا هم جزء دشمنان ایران بوده و حسب وعده تهران مراکز نظامی اش در افغانستان و عراق و سایر کشور های منطقه مورد اصابت راکت های دورزن ایران قرار خواهد گرفت. این جاست که

امپریالیسم به آرزوی خود خواهد رسید تا طبق طرح های قبلی، ایران را منهدم نماید، بر کل شرق میانه مسلط شود و منابعش را به غارت ببرد و اسرائیل بزرگ را در نقشه این منطقه روی صحنه آورد.